

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هفتم-شماره دوم-تابستان 1393-شماره پیاپی 24

معرفی نسخه خطی «تعبیر سلطانی» قاضی ابرقوهی و سیری در سبک نثر آن

(ص 157-178)

عطاءمحمد رادمنش¹، مرتضی رشیدی²، فرزاد نبی‌ئیان (نویسنده مسئول)³

تاریخ دریافت مقاله: 1393/2/18

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: 1393/4/15

چکیده

خواب، رؤیا و تعبیر آن در تاریخ بشریت پیشینه‌ای قابل تأمل دارد. در قرآن و احادیث اهل بیت، به تأویل خواب اشاره‌های بسیاری شده است. یکی از خوابنامه‌های معروف زبان فارسی و به نوعی کاملترین آنها، «تعبیر سلطانی» از قاضی ابرقوهی است. حال سؤال اینجاست که آیا این کتاب تعبیر خواب، صرفاً تقلیدی از سخنان معتبرین مشهور و متون پیش از خود اوست؟ یا مولف ابتکاری در این کتاب داشته است؟ قاضی ابرقوهی با آگاهی از متون نثر و نظم فارسی توانست که سبک نثر این کتاب را آراسته و فنی جلوه دهد. توجه به سجع‌پردازی، آمیختن نظم و نثر، رعایت ایجاز و دوری از اطناب، بیان حکایات جالب تاریخی و روایی، استشهاد بسیار به آیات کلام وحی و احادیث نبوی و ... سبب غنای ادبی و زبانی این کتاب در قرن هشتم شده است. نقل فراوان اشعار «منظومه خرگوشی» از مؤلفی ناشناس که در تعبیر خواب بوده ولی تا به امروز اثری از آن، جز در این کتاب به دست نیامده از دیگر مزایای این نسخه خطی است. در این مقاله به بررسی سبک ادبی - زبانی و محتوای این تعبیر خواب پرداخته خواهد شد.

کلمات کلیدی: رؤیا، تعبیر سلطانی ابرقوهی، سبک نثر، تعبیر خواب، قرن هشتم.

¹ استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، اصفهان. ایران a-radmanesh21@yahoo.com

² استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، اصفهان. ایران mortezarashidi51@yahoo.com

³ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف آباد، اصفهان، ایران Farzad_nabieyan@yahoo.com

1- مشخصات نسخه‌های تعبیر سلطانی

از کتاب تعبیر خواب «تعبیر سلطانی» چندین نسخه متفاوت از قرنهای متفاوت بدست ما رسیده است. ما در این پژوهش نسخه دانشگاه تهران را که اقدم نسخ است، اساس کار تصحیح قرار داده‌ایم. مشخصات این نسخه‌ها به قرار زیر است.

1. نسخه خطی کتابخانه دانشگاه تهران: این نسخه به شماره (2455) در این کتابخانه نگهداری میشود؛ 257 برگ دارد که اندازه هر برگ آن $18/5 \times 24$ است. برگ آغازین، این نسخه افتاده و رسم الخط آن متکی به پیوسته نویسی است و از واژه «همای» به بعد را ندارد و به جای آن، با خط و جوهر و کاغذی متفاوت چندین واژه از حرف الف را تأویل کرده است.

2. نسخه مجلس شورای ملی: نسخه‌ای که تاریخ کتابت آن به سال 985 هجری قمری بوده است. این نسخه به شماره 61912 در سال 1283 در کتابخانه مذکور نگهداری میشود. این نسخه بیشتر موارد جافتاده از نسخه اساس را دارد و ما به دلیل قدمت، بر اساس این نسخه آن موارد را برطرف کرده‌ایم. سایر نسخه‌های خطی موجود و متأخر این کتاب:

نسخه اول کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره 56230.

نسخه خطی (بی تاریخ) کتابخانه مجلس شورای اسلامی شماره ثبت این نسخه 16789 است.

نسخه دوم کتابخانه آیت الله مرعشی به شماره 9166.

نسخه سوم کتابخانه آیت الله مرعشی، به شماره 7053.

1-2- پیشینه تحقیق

در مورد قاضی ابرقوهی در کتابهای تذکره و تاریخ ادبیات مطالب مکفی و مفصلی دیده نشد و تنها آگاهی ما از وی همین نام وی و اثر دیگر وی به نام «تحفه بهایی» است. در کشف الظنون حاجی خلیفه، سال تألیف این اثر مطابق با همان سنه 763 بوده که مؤلف در تعبیر سلطانی نیز این نکته را ذکر کرده است. خود قاضی ابرقوهی در دیباچه «تحفه بهایی» نوشته است: «چنین گوید اسماعیل بن نظام الملک الابرقوهی المشتهر بغیث الملک» (تحفه بهایی: ابرقوهی 1، برگ 2). دانش پژوه در فهرست نسخه‌های خطی مجلس (سنای سابق) در معرفی تعبیر سلطانی همین لقب را برای قاضی ابرقوهی آورده است. منزوی نیز در فهرست نسخه‌های خطی مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی (ج 1 ص 56، ذیل مدخل تعبیر سلطانی) از او به عنوان «قاضی صدرالدین اسماعیل بن نظام الملک ابرقوهی» یاد کرده است. سال تولد او مشخص نیست؛ اما از خلال عبارتی در متن تعبیر سلطانی، ضمن گزارش یکی از رؤیاهای خود مؤلف مشخص میشود که این اثر را در کهنسالی به نگارش آورده است.

«چنانکه نظم گفته آید، زکریا را به خواب در دیدن/ در کهولت بود پسر دیدن» و بنده درگاه، در این خواب صاحب تجربه است که او را بعد از رؤیت زکریا علیه السلام، در این سن بنده زاده آمد و او را به یحیی مسمی گردانند» (ابرقوهی، تعبیر سلطانی: برگ 27).

کتاب دیگر ابرقوهی «تحفه بهایی» در علم ترسل است که نسخه خطی آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری میشود. این اثر بیست باب دارد و برخی از این بابها چند فصل دیگر نیز دارد. راجع به حیات و سرگذشت قاضی ابرقوهی کتاب یا مقاله‌ای مستقل نگاشته نشده است. تاریخ ادبیات ذبیح الله صفا، تاریخ نظم و نثر سعید نفیسی، سبک‌شناسی ملک الشعرا بهار هیچکدام مطلبی فراتر از آنچه در مقدمه بدان اشاره رفته راجع به وی و کتاب تعبیر خوابش ندارد (رک، تاریخ نظم و نثر فارسی، 1363: ص 755). با وجود این، در چند سال اخیر با کاوش در نسخه‌های خطی، مقالاتی در مورد کلیات خوابنامه‌های فارسی و فواید اجتماعی و مردم‌شناختی، برخی از جنبه‌های اجتماعی ادبی و زبانی آنها نوشته شده است. از جمله میتوان به مقالات آقای مختار کمیلی در این زمینه اشاره کرد:

- سیری در خوابنامه‌های فارسی، مجله علمی - پژوهشی گوهر گویا، 1387.
- کامل‌التعبیر تفلیسی و واژه‌های نادر آن، فصلنامه پژوهش‌های ادبی، 1388.
- زن در خوابنامه‌های فارسی، بررسی نمادهای زنان در خوابنامه‌ها، مجله گوهر گویا، 1389.
- تعبیر سلطانی و فواید ادبی و زبانی آن، نامه فرهنگستان شماره 46، 1390.
- منابع و قواعد تعبیر خواب در متون حکمی و عرفانی، دکتر غلامرضا افراسیابی و مختار کمیلی، مجله علوم اجتماعی شیراز، بهار 1384.

آنچه در این میان انجام نگرفته، مبحث سبک‌شناسی این اثر است که در این مقال اندک به بررسی این جنبه از آن پرداخته خواهد شد؛ اینکه این کتاب نویافته و چاپ نشده «تعبیر سلطانی» چه مزایا و محاسنی نسبت به پیشینیان دارد. ارزش این پژوهش میتواند در بازخوردها، نتایج ادبی، سبک‌شناسی و زبان‌شناسی این اثر نهفته باشد. این تعبیر خواب گنجینه‌ای ارزشمند از لغات، اصطلاحات فارسی و لغات دخیل قرن هشتم است.

3-1 محتوای «تعبیر سلطانی»

«تعبیر سلطانی» از جمله متنهای منثور زبان فارسی در قرن هشتم هجری بوده که «جامعترین و پرفایده‌ترین خوابنامه فارسی است» (کمیلی، 1387: 163). این نسخه خطی تا به اکنون تصحیح و چاپ نشده است. محتوای این نسخه خطی تعبیر خواب (خوابهای مجرد، خواب مقلوب، رویای صالحه، اصغاث احلام و...) است. تعبیر سلطانی، دو بخش عمده دارد، بخش نخست که حاوی دو فصل و

بسیست نکته بوده که به مسائل و مبادی خوابگزاری، شرایط و اصول خوابگزار، نایم، موقعیتهای خواب و تعبیر آن، انواع خواب، انواع تعبیر و... پرداخته است و در این بخش سبک نثر آن فنی و مسجع و آراسته تر از خود متن است. و بخش دوم به گزارش خوابدیده‌ها، به ترتیب حروف الفبا، از خواب آبادانی، آب و... تا یخ و یوز اختصاص یافته است. تبویب کتاب در بخش دوم، بر اساس حروف الفبای عربی است و حروف ج، چ، در یک بخش و باز دو حرف «ب و پ» و «ک و گ» در یک بخش و درهم آمیخته تعبیر شده است. کمترین خوابها نیز مربوط به دو حرف «ث» و «ظ» بوده و بیشترین تعبیر خواب نیز مربوط به حروف «الف» و «م» است.

ابرقوهی در نگارش این کتاب به خوابنامه‌های پیش از خود نظر داشته و اقوال پاره ای از معتبرین پیشین چون ابن سیرین، ابراهیم کرمانی، حضرت امام جعفر صادق (ع) و ... را نقل کرده است. افزون بر خوابگزاران اسلامی، وی به تعبیر معتبران غیر اسلامی، چون ارطامیدروس یونانی و براهمه و ... توجه داشته است. از مقدمه آن بخوبی برمی آید که با آثار ابن سینا، فارابی، اخوان الصفا، فخر رازی و ... آشنایی و انس داشته است. مقدمه‌ای که ابرقوهی در باب چیستی خواب و قوای سه‌گانه متخیله، مفکره و حافظه، نگاشته میتواند بر اساس نظرات فلاسفه و از جمله ابن سینا در این زمینه باشد. رسائل ابن سینا، در این زمینه همچنین بحثهایی دارد (رک رسائل ابن سینا، 1953: 30 - 120).

ابرقوهی در بخش نخست، خوابنامه‌های پیشین را به طور کلی نقد میکند؛ اما اختصاصاً به انتقاد از کتاب «کامل‌التعبیر» حبیب‌تفلیسی که از پرآوازه‌ترین کتب خوابگزاری به زبان فارسی بوده، زبان گشاده است. قاضی ابرقوهی برای هر چه شیرین‌تر کردن کتابش تمهیداتی اندیشیده و به کار بسته است. با کاربست این تمهیدات، تعبیر سلطانی از صورت کتابی که در برابر هر رؤیایی، لغتنامه‌وار تعبیر یا تعبیری را قرار دهد، بیرون آمده و در مجموع از سایر خوابنامه‌های فارسی متمایز شده است. آغاز این کتاب با جملات زیر شروع شده است:

«بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله الذي خصّ خواص الانام بمبشرات الاحلام والصلوه على من ختم به الوحي في اليقظه والمنام و على آله و صحبه اهل الكشف و الالهام اما بعد چنین گوید محرر این تعبیر و معبر این تحریر بنده درگاه اسمعیل بن نظام الملک ابرقوهی نبهه الله عن نومه الغافلین و شارکه فی دعاء الصالحین که در شهر سنه ثلاث و ستین و سبعمائه به وقت بارگاه خلافت پناه حضرت اعلی سابه خدای و پادشاه جهان گشای تاج ستان تاج بخش و سلیمان باد معتضد امیرالمؤمنین جلال الدنيا و الدین ابوالفوارس شاه شجاع خلد الله ملکه» (ابرقوهی: برگ 1).

برخی از خوابهایی را که ابرقوهی در «تعبیر سلطانی» تفسیر و تعبیر کرده است، در خوابنامه‌های پیش از او نیست. و گاه نیز با نقل قول معبران پیشین، تنها در لغات و ترکیبات آن دخل و تصرف

کرده است. به عنوان نمونه میتوان تعبیر ترانگبین را (ترنجبین: شیره گیاه خارشتر که خاصیتی طبی دارد)، در دو کتاب تعبیر سلطانی و کامل التعبير (از قرن هفتم) با هم مقایسه نمود. قاضی ابرقوهی مینویسد: «ترانگبین، به تأویل رزقی حلال باشد که بی منت خلق حاصل شود لقلوله تعالی: «وُ نَزَّلْنَا عَلَیْكُمْ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى (بقره: 57)» تعبیر سلطانی: برگ 38). و حبیش تفلیسی میگوید: «ابن سیرین میگوید ترانگبین در خواب مال حلال بی منت است، خدای متعال میفرماید: «وُ نَزَّلْنَا عَلَیْكُمْ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى کُلُّوْا مِنْ طَیِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ» (بقره / 57)، و بر شما ترانگبین و بلدرچین بریان شده فرو فرستادیم... حضرت صادق علیه السلام میفرماید: «اگر در خواب ترانگبین بیند یا بخورد تعبیرش بر سه وجه است: 1- مال و روزی بدون منت، 2- معیشت و گشایش در امور، 3- کامیابی و به مراد دل رسیدن.» (کامل التعبير، 1362: ص 110). در مجموع به دلیل پیروی و نقل قول از معبران مشهور، بیشتر خوابگزاری‌های فارسی نیز در بیشتر مواقع شبیه به هم هستند. قاضی ابرقوهی، تفلیسی، و دیگران در بیشتر مواقع حرفهای ابراهیم کرمانی، ابن سیرین و دانیال، ارطامیدروس و امام صادق (ع) را به بیان متفاوت و اما کمی شبیه به هم نقل کرده‌اند. در تعبیر رؤیت انگشتی، ابرقوهی چنین مینویسد:

«و گفته‌اند انگشتی دونگین، پادشاه را سلطنت صوری و معنوی باشد» (تعبیر سلطانی: برگ 17). و همین سخن کرمانی را که ابرقوهی از آن به شکل مجهول نقل کرده، در کتاب خوابگزاری (مؤلف ناشناخته قرن ششم) چنین خوانده میشود: «کرمانی گفت اگر انگشتی را دو نگین بود، یکی اندرون و یکی بیرون، آن پادشاهی نهان و آشکارا بود و چنانکه پادشاهی‌ای بیابد و خواسته‌ای پس نهان دارد و پادشاهی آشکارا» (خوابگزاری، افشار: ص 180). یا در تأویل خیک در «تعبیر سلطانی» آمده: «خیک شیر و آنچه از شیر سازند به تأویل مرد صاحب خیر باشد و خیک عسل و روغن، عالم یا تاجر بود و اگر دید که از آن نوع خیک یافت به صحبت یکی از ایشان رسد یا غنیمتی یابد» (تعبیر سلطانی: برگ 74). و در همین رابطه در کتاب خوابگزاری (قرن ششم) خوانده میشود: «رؤیت الرِّق، اندر دیدن خیک: خیک شیر، مردی بود که بر دست وی خواسته حلال هزینه شود و پولها و آبخورها سازد. خیک انگبین مردی بود عالم که مردم را علم آموزد و او از آن کار نکند» (خوابگزاری: افشار: ص 216). همین تأویل را در کتاب کامل التعبير به بیانی دیگر میخوانیم: «ابن سیرین میگوید: دیدن خیک شیر و ماست در خواب، دلیل بر مردی است که مال در کارهای خیریه مثل ساختن پل و کاروانسرا و مسجد خرج کند ... و خیک عسل مرد عالمی که دانش می آموزد ...» (کامل العبیر، حبیشی: ص 289).

ابرقوهی برای خوابگزاری اصولی را وضع کرده است. تمسک به آیات قرآن و احادیث دو منبع مهم برای درست تعبیر کردن است که او بسیار بیشتر از دیگران بدان توجه داشته است. در مجموع این

تعبیر خواب به دلیل دربرداشتن فواید زبانی و واژه‌شناسی علوم طبیعی مثل گیاه‌شناسی و جانورشناسی و حتی اطعمه و البسه‌شناسی، جنبه‌های ادبی، اطلاعات فرهنگی - اجتماعی ایران آن زمان و آگاهی یافتن از جایگاه زنان و مردان در اجتماع آن زمان بسیار با ارزش است.

2- فواید زبانی و ادبی تعبیر سلطانی

بیشک یکی از مهمترین فوایدی که یک متن کهن میتواند به دست ما بدهد، جنبه‌های مفید زبانی و ادبی آنست. لغات و اصطلاحات مهجور و ضرب‌المثلهایی که در اذهان باقی نمانده و در کمتر فرهنگ لغتی ذکر شده است. «بهترین فایده‌ای که از این متون قدیم برمیگیریم، شناختن عده‌ای از لغات و اصطلاحات مهجور و نحوه استعمال افعال و کلمات نادر است» (مقدمه خوابگزاری، تصحیح افشار: 19). این گونه کتابهای تعبیر خواب، به نوبه خود، یک نوع فرهنگ لغت عمومی و تخصصی به حساب می‌آیند و از این لحاظ قابل تأمل و ارزش‌گذاریند. ضبط کلمات مهجور و کم کاربرد زبان فارسی، و اطلاع از قدمت کاربرد برخی خوراکیها چون سمبوسه و کباب شامی و...، یا رسیدن به اینکه از دو کلمه «زربالا و سیم پالا» (بوته/ و کسی که طلا و سیم را ذوب میکند)، تنها اولی در فرهنگ لغاتی چون صحاح الفرس و ناظم الاطبا، ذکر شده است. اصلاً بدون در دست داشتن فرهنگ لغات قدیم و جدید نمیتوان به درک تمامی لغات این تعبیر خواب رسید. دیگر فایده این تعبیر خواب آگاهی یافتن از برخی اصطلاحات چون «قضای حاجت» و «آب تاختن» است و کلماتی مهجور، کم کاربرد و فراموش شده چون:

سمبوسه، کستیج¹ (کستی: زنار)، درخت بن، سُفوف، روناس، ریباس، زرنیخ (= سولفات ارسنیک معدنی)، قضای حاجت، گرده، نرگسی (نام طبعی مشهور)، کنگر، شلغم، کباب شامی، فسطاط (سراپرده و خیمه)، بلی به جای ولی، کاغنه (کرم شبتاب)، غراره (= جوال)، شونیز (= سیاه دانه)، راقود (= خم بزرگ شراب)، سعتر (= گیاهی طبی)، دوسانید (= چسپاند)، سقمونیا (گیاهی که خاصیت طبی دارد)، آله نر (= عقاب و شاهین)، انبرود، بانگ کلاژه و جامه شرب (برقوهی : برگ 136).

یکی از جنبه‌های ادبی «تعبیر سلطانی» بیان معنی و شرح لغتهاست. چنین که مؤلف، هر جا دید که واژه نیازمند شرح است از بیان آن مضایقه نمیکند. این سبب شده تا برخی کلمات مبهم که در فرهنگ لغتها نیامده در خود «تعبیر سلطانی» شرح گردد. اصلاً میتوان جنبه‌های ادبی و زبانی این کتاب را بر دیگر مولفه‌های آن یعنی خوابگزاری، رجحان داد. برخی از مدخلهایی که تعبیر شده‌اند، در آغاز مبهم و شاید ناخوانا باشد اما نویسنده در ادامه تأویل خواب، به شرح معنای آن لغت پرداخته تا

1- در هر چند نسخه این کتاب به همین شکل آمده است که صورتی کهن از کستی به ضم اول به معنی زنار است.

حجاب ابهام از آن زدوده شود. «تعبیر سلطانی» یکی از گنجینه‌هایی است که در مورد طعام‌های گوناگون کهن، گیاهان (دارویی)، نام درختان و برخی حیوانات، پوشیدنیها، حرفه‌ها و ... میتوان اطلاعات مفیدی از آن بدست آورد. از برخی جایهای این کتاب برمی‌آید که مؤلف با زبان و ادب فارسی و بخصوص ریشه‌شناسی واژه‌های آن آشنایی دارد و از کتابها و فرهنگ لغت‌هایی مثل مقدمه الادب زمخشری؛ لغت الفرس اسدی طوسی و یا صحاح الفرس نخجوانی از قرن هشتم، و کفایت الطب حبیبش تفلیسی و هدایت المتعلمین فی الطب و... نیز استفاده نموده است. کلمات و عبارات زیر که از «تعبیر سلطانی» مستخرج شده، نموداری از توجه شایان مؤلف به تأویل خوابهای گوناگون و مرتفع ساختن غبار ابهام از برخی لغات است. در شواهد زیر، ابرقوهی سعی کرده که برای توضیح بهتر و بیشتر، مترادف کلمات بعضاً کمیاب و نادر را بیان کند.

2- 1 لغات نادر و مهجور

شیراق، که آن را کاسکینه میگویند به تأویل زنی بامال و جمال باشد.¹

و حکم شوا² به لفظ بریانگر تقدیم یافته و تأویل شوایی از آن نیز مستفاد شود.

شیراز گاو³ همان حکم دارد که در ترف گفته شد.

انجیر سیاه به وقت خویش دلیل خیر باشد و از آن سفید بهتر از سیاه باشد و اگر بی‌وقت بیند بر وی حسد برند چه انجیر به لغت اهل یونان حسد باشد.

خیش باد⁴ همان تأویل دارد که در بادبیزن گفته شد.

«سلمه که در اصل درختی بدوی است به تأویل غم و اندیشه باشد» این واژه در فرهنگ لغت دهخدا به نقل از برهان قاطع، آندراج و مهذب الاسماء، تخم خاری است که چرم را بدان دباغت کنند و آن مانند خرنوب شامی باشد، لیکن از آن سفیدتر است» (دهخدا: ذیل سلمه)؛ اما ابرقوهی آن را درختی

1- به دلیل اینکه خوابها در «تعبیر سلطانی» بر اساس حروف الفبا ترتیب اثر داده شده از ارجاع بی‌دری در این بخش خودداری میشود.

2- به معنی بریانی.

3- (جمع آن شواریز و شراریز: ماست چکیده) مؤلف به ترتیب حروف الفبایی توجه داشته است و اینجا نیز پس از تأویل شیر خر، میش، شیر ناقه و شیر فیل به این واژه رسیده است، مؤلف پس از نقل چند حکایت بیان می‌کند که: «و بعضی از احکام شیر در پستان تقدیم یافته» (تعبیر سلطانی / برگ 144) پس تأویل خواب شیر به اتمام رسیده که چنین سخنی رانده است. و این واژه باید به شکل شیراز به معنی ماست ترش باید باشد. ترف در همین جمله نیز به معنای قره قروت و کشکک سیاه ضبط شده است. این واژه در «کامل‌التعبیر» نیز به شکل شیراز آمده است (ص 461).

4- خیش در فرهنگ لغات آمده اما خیش باد ذکر نشده. خیش به معنی پارچه رقیق باف و ستبرتار از جنس بدترین

کتان. (لغت نامه دهخدا)

بدوی معنی کرده است. این لغت در «الصیدنه (ص 495) و کفایت الطب تفلیسی هم ذکر شده است (رک لغات فارسی کفایت الطب، اشرف صادقی).

«کِهین که در لغت آن را زعرور میگویند سبز آن خیر بود و زرد آن مرض»؛ «بار درختی کوهی که به فارسی زالزالک گویند» (لغت نامه دهخدا: ذیل زعرور و کهین).

مامیران¹ به تأویل مرض بود مگر آنکه بیند که از بهر مداوا بر چشم مالید که دلالت بر صلاح کند.

مامینا² نیز به غایت بد بود و اگر بیند که بر آماسی ضمد کرد زبانی یابد.

مسکه³ به تأویل مالی مجموع نافع لذیذ بود و شاید غنیمتی بود به فرض آنکه از غنم حاصل شود و گفته‌اند خوردنش دلالت بر زیارت بیت المقدس کند.

«حکم ناوس که عبارت است از مقبره مجوس، در تأویل گورستان بیان رفته» (ابرقوهی، تعبیر سلطانی: برگ 248) این واژه مهجور در فرهنگها به اشکال گوناگون معنی شده و تعبیر سلطانی با همان معنای مذکور در «ناظم الاطبا» همخوانی دارد: «ناوس، آتشکده (آندراج)، عبادتخانه کفار، گورستان مغان (لغت‌نامه دهخدا: ذیل ناوس)

نمس⁴ که نوعی از حشرات است که ازدها میگذرد و میکشد و از خانه‌ها ماکیان دزدد و خورد به تأویل شریری دنی مفسد باشد.

گزر⁵ با گوشت پخته به تأویل مال اندک باشد.

اسپست⁶ به تأویل غم و مضرت باشد و خوردنش بهتر از چیدن.

و کوک⁷ که در لغت آن را ثولول⁸ گویند به تأویل مالی روزافزون باشد که مالکش از فوات آن اندیشه کند.

1- گیاهی خودرو از تیره خشخاش و نوعی عروق الصفرا که نافع یرقان است.

2- همان شیاف مامینا و نوعی گیاه که در قابضات به کار برند. این لغت سریانی است.

3- مسکه به معنای کره و چربی حاصل از دوغ.

4- در منتهی الارب به معنی راسو و شیرخرما آمده است.

5- در کامل‌التعبیر هم این واژه دیده شد، گزر: هویج / زردک.

6- اسپست یا اسپرس گیاهی است از تیره پروانه پر (یونجه: فصفصه/دهخدا) که خوراک حیوانات علفخوار است. خشک کرده اش بیده نام دارد.

7- کوک به ترکی و دری کبک است (دهخدا)

8- ثؤلول [ثؤلؤل] [ع] [ع] آرخ. واروک. وارو. (زمخشری). بالو. پالو. زک. زلق. مهک. زگیل. گندمه. بزه سپید پوست تن. ورمهای کوچکی بسیار سخت و مانند نخود یا کوچکتر از آن و گرد و پاره ای از ارباب لغت گویند ثولول بدون همزه است و باید بجای تلفظ با همزه با واو خواند و از اقسام آن ورمها ورم قرون و ورم مسماریه است چنانکه در بحر الجواهر مسطور است. (کشاف اصطلاحات الفنون)

و اگر دید که **کلنگی**^۱ در حوالی شهری میپیرید در آن زمستان سرما به غایت سخت باشد. **ترکهاز**^۲ به تأویل کنیزک گشاده روی بود.

تره دوغ^۳: به تأویل غم باشد به قدر آنکه خورد. حکم **مصطکی** در تأویل **علک** بیان رفته. حاصل سخن اینکه، تعبیر خواب «تعبیر سلطانی» به نوبه خود یک نوع فرهنگ لغت و گنجینه‌ای ارزشمند از لغات مهجور و ناشناخته فارسی و همچنین جایگاهی برای شناسایی برخی از لغات دخیل است. باید از این نوع نگاه نیز بدان نگریست، آنچه در اینجا به شکل جسته گریخته بدان اشاره رفت، تنها بخشی از این گنجینه است.

3- مشخصات نثر تعبیر سلطانی

این نویسنده با رعایت اصل «النحو فی الکلام کالمح فی الطعام» که خود در متن بدان اشاره کرده، از معیار زبان فارسی منحرف نشده است. رعایت سجع‌پردازی و توجه به فصاحت و بلاغت در بیان تعبیر خوابها از جمله این مشخصات است. ابرقوهی به خاصیت و مزیت زبان فارسی بسیار وقوف داشته است و در این باره مینویسد: «و نفع لفظ عجم با عموم اعم دانست و همچنان بنیاد به ترتیب حرف نهاد اما نه به الفاظ «کامل التعبیر» تا بعد از آنکه از مکررات مصون ماند به ایجاز مقرون باشد» (قاضی ابرقوهی: برگ 6).

مهمترین مشخصات نثر «تعبیر سلطانی» سجع‌پردازی و ایجاز، تلمیح به آیات و احادیث، حتی درج بخشهایی از تورات و انجیل، بیان امثال و حکم فارسی و عربی، شکل سبک خراسانی افعال، آمیختن نثر به نظم، نقل حکایات تاریخی جذاب کوتاه، و تنایع اضافات فراوان (برای وصف اشخاص) است. زبان روان و سلیس در این زمینه در کنار بیان کلمات مهجور و کم کاربرد زبان فارسی و همچنین استفاده از برخی لغات و عبارات عربی و استفاده از افعال به سبک خراسانی بر غنای این اثر افزوده است. ناگفته نماند که این تعبیر خواب همچون کتاب «خوابگزاری» قرن ششم، زبانی نزدیک به سبک خراسانی نیز دارد و این دو نسبت به سایر کتب این علم، زبانی استوار و فاخرتر دارند.

3-1- سجع‌پردازی و ایجاز

^۱- پرنده‌ای کبودرنگ و درازگردن ... (دهخدا).

^۲- در کتاب کامل التعبیر واژه‌های ترشی، ترف و ترنج را هست اما ترکهاز را ندیدیم.

^۳- معنای تره دوغ را در فرهنگ لغت نیافتیم. این واژه در کامل التعبیر نیز دیده شد. و در کفایت الطب لغتی به شکل «تن دوغ» هست که شاید تصحیفی از آن باشد. مصطکی و علک روم نیز در فرهنگ‌هایی چون «ناظم الاطبا و مهذب الاسما و گیات، به معنی صمغی زردرنگ که از درخت ضرو تراود. (یونانی و معرب است)

همچون تاریخ بیهقی که یک کتاب تاریخی بوده و مؤلف ادیب آن، ابوالفضل بیهقی، با بیان خاص آنرا به کتابی ادبی با زبانی فاخر تبدیل ساخته، کتاب تعبیر خواب ابرقوهی نیز از شکل تعبیر خواب، به شکل ادبی و دارای زبانی فاخر درآمده است. توجه به جناس‌پردازی در عبارات، ترکیبات مترادف و پی‌درپی و توجه به سجع‌پردازی، نثر این تعبیر خواب را ادبی ساخته است. خود مؤلف با آگاهی از مباحث علم معانی (بلاغت) مانند ایجاز مخل و اطناب ممل، اذعان داشته است:

«و چون خواست که این تألیف که مسمی است به «تعبیر سلطانی» نه مطنبی باشد در صدد ملال و نه نیز موجزی شود مؤدی به اخلال و مع ذلک هم طریق ایجاز در آن ملحوظ بود و هم فایده اطناب در آن محفوظ ماند (ابرقوهی، نسخه کتابخانه مجلس ملی: برگ 4)

توجه به سجع در کلام و در بیان تعبیر خوابها، سبب آراستگی زبان در کتاب تعبیر سلطانی شده است. در برخی موارد که اختلاف نسخه‌ها یا نارسایی در خوانش نسخه‌ها هست، توجه به سبک سجع‌پردازی این مؤلف میتواند، مشکل را حل نماید، در جمله زیر، میتوان ایجاز در کلام، سجع، جناس و ترادف را در سخن مؤلف دید:

«و نیز شرف علم تعبیر از آن جمله میتواند بود چه رؤبای صادق بعضی مبشرات باشد و فی الحقیقت امر بود به مأمورات و بعضی منذرات بود و لاریب زجر بود از منهیات و اتیان به امور و اجتناب از محظور؛ هم مستدعی صلاح عاجل بود و هم مستلزم فلاح آجل باشد و لهذا این علم در هیچ ملت مردود نشد و در هیچ نحلث مطرود نگشت» (ابرقوهی، نسخه ملی: برگ 3). نه تنها در مقدمه به سبک نثر مسجع و موزون سخن رانده است بلکه در متن کتاب نیز این رویکرد کمابیش هست:

«و اتفاقاً در آن عهد عسرت و غلایی به غایت بود و همسایه از وی استقراضی نمود، و او زر و غله‌ای چند او را عطا داد و مقدمه اشتهار و فاتحه اعتبار او شد تا به مرتبه‌ای رسید که هر که را نسب کریم یا حسب عظیم جمع آید، تمثیل به وی زنند بی نسبت عظامی و حسب عصامی» (ابرقوهی: برگ 45)

این سبک بیان، گاهی به شکل ریشه‌شناسی و بیان مشتقات کلمات مورد بحث در تأویل خواب منجر میشود. در مورد زیر در تأویل گرمابه به ریشه گرمابه در زبان عربی اشاره نموده و به این اشاره کرده که هر که گرمابه بیند، در تب محرق افتد؛ که بیشک تأویل بر اساس ظاهر کلمه بوده است.

و فی نفس الامر در تأویل گرمابه اختلافست؛ بعضی گویند اگر دید که به حمام دررفت از جهت عورات غمگین شود از بهر آنکه حمام محل ازار است و تأویل ازار به زن رفته و بعضی گویند در تب محرق افتد از آن جهت که اشتقاق آن از حمیم است و حمیم و حما به هم نزدیکست^۱ (همان: 184). و در حکایت آمده که شخصی به خواب دید که پادشاهی را چراغ پایی دادندی که سر او مُدْ هَب بودی و معبر گفت عجب اگر امیر لشکر او فوت نشود، و به آن نزدیکی او را به قتل آوردند و علت تعبیر آن گفت که ذهب دلالت بر ذهاب دارد (همان: برگ 48). و یا این مورد «و سقوط علامت سقط شود» (همان: برگ 45). توجه به ظاهر کلمات در تعبیر خوابها یکی از شگردهای معتبرین زبان فارسی است. فی‌المثل در تعبیر برنج گفته میشود که مالی باشد که به رنج حاصل آید یا در تأویل «شلغم» گفته شده که به تأویل غم باشد.

ایجازگرایی در شمار دیگر مشخصات سبک نثر این کتاب به شمار می‌رود. این مؤلف با مختصرگویی و گزیده نویسی، مقصود را در پرده ابهام جملات مترادف و پی‌درپی پنهان نساخته است. در نقل حکایات تاریخی و مشهور تا جایی که میسر بوده، اختصار را رعایت کرده تا بیشتر جملات این حکایات از سه چهار سطر فراتر نرود. در بخش آغاز تأویل خوابها نیز زبانی موجز را به کار بسته است: «و حکایت کنند که شخصی با ابن سیرین گفت به خواب دیدم که ماری میرفت و در عقبش میدویدم تا در سوراخی رفت و مشکی داشتم و بر در آن سوراخ نهادم، فرمود که بحث خطبه‌ای در میان است؟ گفت بلی؛ گفت زنی را بخواهی و وفات یابد و میراث او برداری و چنان شد و او را از آن قضیه هفت هزار درم رسید» (همان: 218).

3-2 - تلمیح به آیات و احادیث

یکی از نکته‌های مهمی که در این تعبیر خواب به شکل پربسامد دیده میشود، نقل آیات قرآنی و اشاره به احادیث است. گاه به آیه برای تکمیل تأویل خویش استشهد میکند و گاه نیز تلمیح و تضمین به لفظ کلام وحی به جهت تناسب ظاهری است. استشهد پی‌درپی به آیات و احادیث اینگونه است که با تلمیح و استناد به آنها، تأویل و تفسیر هر خوابی را موجه و معقول‌تر میکنند. «فخر الدین محمد رازی، در کتاب «التحییر فی علم التعبیر» به روشی معروض میدارد که خوابگزار برای تعبیر رؤیا باید نخست در آیت کلام الله مجید بنگرد، اگر دلالت آیات معنای رؤیا را گشود به معیاری دیگر

1- جای دیگر از تعبیر سلطانی آمده: «الحمی برید الموت» و جایی دیگر آمده: و اگر دید که شیری او را بیفکند محموم شود چه شیر دایما در تب باشد و گویند محبوس شود چه تأویل تب به حبس نیز کرده‌اند چنانچه در امثال آمده که الحمی سجن الله.

نیاز نیست» (التحییر فی علم التعبیر: ص 34). بعنوان نمونه در تفسیر گریه، دو مرتبه از آیات قرآن استفاده کرده است: «گریه در خواب مایه شادی است به دلیل حزن مؤمن در دنیا و فرج او در آخرت، لقله تعالی: «وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا (الانشاق / 9)» ... و اگر دید که بخندید و بعد از آن بگریست اجلس نزدیک باشد لقله تعالی: «أَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَكَ وَبَكَىٰ وَنُتِيَ هُوَ مَاتَ وَوَحْيًا» (النجم / 43 و 44).

گاه تلمیح به آیه قرآن بر اساس ارتباط و تناسب لفظی و گاه به دلیل تناسب معنایی میان خواب و آیه است. در شرح شادی چنین به آیه قرآن اشاره دارد:

«شادی مرد رستگاری بود و رضا از بیننده بلی زنده را غم باشد و گفته‌اند اگر خود را بی سببی شاد بیند، دلیل قرب اجل بود لقله تعالی: «حَتَّىٰ ذَا فَارِحُوا بَمَاءٍ وَتَوَاءَلَوْا بِهَا نَاهُمْ عِبْرَتَهُ الْإِنْعَامِ/44» (همان: برگ 134).

و در تأویل «طوق» چنین میگوید: «که اگر والی بیند^۱، در حکم بخیلی کند»، بعد به آیه: «سَيَطُوقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (آل عمران/180) اشاره میکند. این تلمیح و تضمین از آیات وحی گاه به روشی دیگر است. در تأویل سنگ عراده چنین مینویسد:

و سنگ عراده به تأویل رسولی سختدل بود لقله تعالی: «ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِّنْ بَعْدِ لِكِّ فِهْيَ كَالْحِجَاؤِ وَأَوَّ شَدَّ قَسْوَةً». و در تأویل روغن از فعل مداهنه و آیه‌ای از قرآن بخوبی استفاده میکند: «و اگر دید که روغن زیاده از قدر حاجت بر مردم میمالید با مردم مداهنه کند^۲ علی الخصوص که بیند که بر یگدیگر میمالیدند لقله تعالی: «وَدُّوا لَوْ تَدَّهِنُ فَيُدْهِنُونَ» (تعبیر سلطانی: برگ 102). اشاره به احادیث نیز در این کتاب بسیار دیده شده است:

- لقله علیه السلام تقول الله تعالی: «لا الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی».

مادر به تأویل به دایه نزدیک است و اگر دید که به خدمت او مشغول بود دلالت بر آن کند که بهشتی باشد لقله علیه السلام: «الجنة تحت الاقدام الامهات» (تعبیر سلطانی: برگ 217)

پس آیات قرآن و حدیث دو منبع مهم و اساسی در تعبیر خواب است. این گونه نگاه به قرآن یا از راه تناسب لفظی است، یا به دلیل همسانی محتوایی خواب مورد نظر با آیه قرآن است. مؤلف ناشناخته «یواقیت العلوم» منابع و مراجع تعبیر رؤیا را در پاسخ به این سؤال که اصول تعبیر از چند چیز باید

^۱ - طوق به قرینه لفظی حذف شده: اگر والی طوق را در خواب ببیند ...
^۲ - به رابطه روغن مالیدن بر بدن و کلمه مداهنه به معنای چرب زبانی توجه داشته است

گرفتن؟، چنین برشمرده است: از شش چیز، کتاب خدای تعالی و حدیث پیغامبر (ع) و مثل، عدد و فال، و افعال پسندیده» (جامع العلوم، بی تا: ص 194).

3-3- آمیختن نثر به نظم

در آمیختن نثر با نظم یکی از اصول نویسندگی و سبک نثر قاضی ابرقوهی بوده است. بیشک ابرقوهی کتابهایی چون گلستان سعدی و کلیله و دمنه را مطالعه کرده و از کارکردهای زبانی و ادبیت آن متون درسها گرفته است. ضمن نقل اشعاری از سعدی و نظامی، خواجوی کرمانی، ادیب صابر، عمادالدین نسیمی به امثال و حکم فارسی و عربی نیز توجه داشته است. منابع نقل شعر ابرقوهی در «تعبیر سلطانی» سه بخش بوده است، 1) اشعار منظومه‌های ناشناخته تعبیر خواب، 2) اشعار منظومه خرگوشی نامه، 3) اشعار معروف فارسی و عربی. مؤلف راجع به این منظومه خرگوشی چنین مینویسد: «منظومه نیز که از تعبیر خرگوشی مستخرج است، در نظر بود و احیاناً یک دو بیت از آن به حسب اقتضای مقام «کالمح فی الطعام»¹ تلفیق و از هودومات خاصه نثر، خالی نیست و اگر چه شاید بود که در بعضی از موارد به حکم ضرورت شعر چنانکه تکراری نماند، مثل آنکه لفظی به حسب ترتیب حروف تقدیم یافته باشد، باز تبعیت لفظی دیگر در سیاق نظم افتد و اعاده آن ضروری باشد، ولی چون مسایل منظوم بیش از منثور بر ذکر میمانند این قدر تکرار محتمل دانست» (تعبیر سلطانی دانشگاه تهران: برگ: 4).

در مواقعی نیز به مصراع‌ی از یک اثر ادبی فارسی اشاره میکند و آن را در متن حل میکند؛ «عمل بر مقتضای **دُتور** بردار و دریا را رها کن اولی نمود» (خسرو و شیرین نظامی: ختم کتاب). و یا این مصرع از گلستان سعدی: «و بی تکلف اگر نه قضیه «**خطابر بزرگان گرفتن خطاست**» (گلستان: باب پنجم)، مانع آمدی هجان و هجین، هریک از این التفات بر طبق عرض نهادی که اقل آن مکررات است (تعبیر سلطانی، دانشگاه تهران: برگ 4). و در تعبیر دیدن دندان‌ها، به بیتی از گلستان سعدی اشاره میکند. «و اگر دید که دندان‌های او بی هیچ دردی بیفتاد اعمال او باطل شود و بنده را دلیل آزادی بود چه افتادن دندان علامت پیری باشد و گویند:

رسم است که مالکان تحریر آزاد کنند بنده‌ای پیر
(گلستان سعدی/ باب دوم)

1- در جایی دیگر این مثل را آورده است: النحو فی الکلام کالمح فی الطعام (در تاویل نمک)

و در جایی نیز با استناد به ضرب المثل معروفی میگوید: «از آن جهت فرح مفرط در تأویل به حزن می‌نهند، چه برعکس میشود هرچه به غایت برسد» (همان: ذیل ماتم). و در تعبیر جوفروش، چنین به شعری از خسرو و شیرین نظامی اشاره میکند: «جوفروش، به تأویل شخصی باشد که دنیا بر دین اختیار کرده چه مثل زنند:

تو آن گندم نَمای جو فـروشی که در گندم جو پوسیده پوشی»
(خسرو و شیرین نظامی)

در جایی دیگر در تأویل گلاب از خسرو و شیرین نظامی بیتی را نقل کرده است: «و اگر دید که گلاب می‌گرفت از منسوب درخت یا مطلقاً ستایش شنود و اگر بی وقت بیند تأثیر آن سبکتر باشد و اگر دید که میخورد غمگین شود بحسب تلخی آن؛ چه گفته‌اند:

گلابم گر کنم تلخی چه باک است گلاب آن به که طعمش تلخناک است
(خسرو و شیرین نظامی)

ابرقوهی به اشعاری از خواجوی کرمانی، عماد الدین نسیمی و ادیب صابر نیز اشاره کرده است. در زیر این اشعار را به نقل از «تعبیر سلطانی» ذکر میکنیم.

آن کس که نصیحت ز بزرگان نکند گوش بسیار بخاید سرانگشت ندامت
(عماد الدین نسیمی)

بی فکر ذکر گویم بی لهجه نغمه آرم بی حلق صوت سازم بی لب حدیث گویم
(خواجوی کرمانی)

و در جایی دیگر در تعبیر «میخ» به مصراع‌ی از ادیب صابر اشاره میکند. این جمله در تمام نسخه‌ها مغشوش و نارسا هست و براساس جستجو به این بیت ادیب صابر برخورد شد و مشکل آن حل شد. «و ارطامیدوس گوید میخ به حسب حدّ دلالت بر وجع کند و به حسب صلابت بر حزن و به حسب استحکام بر عشق چه «خلاص نیست اسیران عشق را به فدی¹» (ابرقوهی: برگ 236).

¹ مصرعی از این قصیده ادیب صابر ترمذی با مطلع:

تم بمهر اسیر است و دل بعشق فدی همی بگوش من آید ز لفظ عشق ندی
دل فدی شد و چشم ندید روی خلاص خلاص نیست اسیران عشق را بغدی

3-3-1 منظومه خرگوشی در تعبیر سلطانی

ارزشمندی تعبیر خواب ابرقوهی نه به این مختصر دانسته‌های شعری وی برمیگردد، بلکه بیشتر ارزش این نسخه کهن به ضبط و نقل اشعار «منظومه خرگوشی»، برمیگردد، منظومه‌ای در تعبیر خواب که مؤلف آن ناشناخته مانده است و گویا جز اینجا، نشانی از آن نیست. درمورد اصل این تعبیر خواب و ناظم آن مطلبی در دسترس نیست، جز اینکه میتوان احتمال داد که خرگوشی، (با یاء منسوب)، نام کوچه‌ای باشد در نیشابور (لغت نامه دهخدا)، که از آن، عالمان و بزرگانی چون ابوسعید بن عبدالملک بن عثمان خرگوشی (وفات: 407) صاحب کتابهایی چون «تهذیب الاسرار» و «شرف النبی» برخاسته‌اند. «از شخص مذکور، کتابی نیز در تعبیر خواب هست به نام «البشاره و النذاره فی تعبیر الرؤیا و المراقبه»، که یکی از متون کهن درباره تعبیر رؤیاست و تعبیرات بسیاری از آن مبتنی است بر اقوال ابن‌سیرین و ابراهیم بن محمد کرمانی. علاوه بر این، کتاب مذکور مشتمل بر مطالبی است که در باب تاریخ اجتماعی و کیفیت زندگی و پندارهای مردمان آن زمان و نیز مباحث لغوی مفید است. خرگوشی، در این کتاب، رؤیای صحیحۀ صادقۀ را از طرق وحی به انبیا و مبین حقایق اعمال، عواقب امور میداند» (مجله معارف، طاهری: ص 7).

این کتاب، به صورت خطی بوده و به چاپ نرسیده است. به نظر نمیرسد که این کتاب همین تعبیر خرگوشی باشد، چه اینکه عنوانش با آنچه قاضی ابرقوهی بدان اشاره کرده متفاوت است. اما، این منظومه تعبیر خواب به قالب مثنوی و به زبان سبک خراسانی سروده شده است (کلمات و افعال کهن، اندر به جای در، سره نویسی و ... از این مختصات است)، گاه از این منظومه تعبیر خواب، حکایتی را بعینه در نثر خویش وارد ساخته است. به عنوان نمونه در تعبیر خواب «رخسار» از منظومه خرگوشی اینگونه اقتباس میکند، «و در منظومه مطالعه افتاده:

مردی آمد به ابن سیرین گفت	که زنی شد به خواب با من جفت
مهربان طبع لیک روی سیاه	چهره‌اش تیره قامتش کوتاه
و ابن سیرین جواب داد به مرد	که ازین خواب گرد غصه مگرد
کان سیاهی به مال اوست دلیل	عمر او گشت قامت از تأویل
تا نه بس دید همچنان شد کار	که زنش مرد و مرد یافت بسیار»

(تعبیر سلطانی: برگ 95).

هرجا که اصطلاح «در منظومه مطالعه افتاده»، منظور همین تعبیر خواب خرگوشی است. نقل اشعار این منظومه سبک نثر این تعبیر خواب را آراسته ساخته است. قاضی ابرقوهی به طرق مختلف از این

منظومه تعبیر خواب یاد کرده و اشعار آن را برای تکمیل تعبیر خواب نقل میکند: «...و عبارت منظومه این است که:

گر ببینی آفتاب عالم تاب و نشینی به سایه اندر خواب
رفت خواهد ازین جهان بیرون که چنین گفت ایزد بی چون
(تعبیر سلطانی: برگ 115)

همچنان که ذکر شد، ابرقوهی علاوه بر این منظومه خرگوشی اشعاری را نیز از برخی تعبیر خوابهای شناخته نقل کرده است. اشعاری که تعدد و بسامد کاربرد آنها بیشتر از منظومه خرگوشی و شعر شعرای معروف فارسی است. او این اشعار را با قیدهایی چون، همچنان که گفته‌اند، و گفته‌اند، و از این قیاس گفته‌اند، و حاصل آنکه و... بیان و نقل کرده است. به عنوان مثال در تعبیر خواب دیدن زمین، چنین میگوید:

«زمین به تأویل زن باشد و طول و عرض آن دلالت بر قدرت او کند و خاک شیرین دلیل حسن خلق او شود و معموره سبزه و نبات آن نشان حلالی مال و بسیاری نعمت او شود و از اینجا گفته اند:
زر بود دیدن زمین در خواب کشت کردن درو ثنا و ثواب
ور زمین را فراخ بینند باز سفرست و دلیل عمر دراز»
(همان: 110).

3-4 - نقل حکایات کوتاه

یکی از مهمترین ارزشهای «تعبیر سلطانی» در نقل روایتها و حکایتهای تاریخی کوتاه آنست که به طور معمول در هر تأویل خوابی موردی از آن خوانده میشود. سبک‌شناسی و منبع‌یابی همین حکایتهای کوتاه جذاب که بیشترشان، واقعیت تاریخی هم داشته، باید انجام شود. بیشتر این حکایات، نقل حدیث ائمه و اصحاب و بخصوص امام جعفر صادق است. از ابن سرین و کرمانی بیش از دیگر معتبرین نقل قول و ذکر حکایت کرده است. از سرزمین هند و خواب شاهان آنجا و از سرزمین غرب و تعبیر خواب اساقفه و احبار بسیار نقل سخن کرده است.¹ نقل این حکایتها و داستانهای منثور روایتی و تاریخی، به مانند نظم در آمیخته در این نثر، بر جذابیت و ادبیت این کتاب افزوده و این کتاب را از این لحاظ چیزی شبیه جوامع الحکایات کرده است. آنچه که در این حکایات منثور بسیار به چشم میخورد، بیان افعال به شکل استمراری بوده، آنچه که برای بیان روایت و حکایت لازم به نظر می‌آید:

¹ - خواب هندوان را برهنه تعبیر میکند و خواب نصارا را اساقفه، که در بخش خواب نصرانی ها از انجیل نیز نقل قول میکند.

«رای به خواب دید که انواع مرغان را، از ناحیه روم بیرون آمدندی و به شهر وی در رفتندی و خندق‌ها و چاه‌ها فرو بردندی و پیلان و گاوآن را در آن انداختندی و آتشی با دخانی و شرر تمام بر بلاد محیط شدی و آن شهرها فروگرفتی غوچی چند از طرف تهامه و یثرب خروج کردند و در عرصه بلاد متفرق شدند و گل هر زمینی خوردندی و از هول آن واقعه بیدار شد و براهمه را جمع کرد و تعبیر آن پرسید و متفق‌الکلمه گشتند که پادشاهی از جانب روم خروج کند که لشکر او به حسب کثرت آن مرغان باشد (تعبیر سلطانی: برگ 230).

بیشتر این حکایات و قصص که با تعبیر خواب در ارتباطند، اساسی تاریخی دارند و بیشتر به تاریخ صدر اسلام و خلفا برمیگردند و یا نقل حکایات راجع به خوابهای مشهور است (مثل خواب مشهور بخت النصر، پادشاه بزرگ معاصر دانیال نبی). اینگونه سبک بیان و درج حکایات کوتاه و به مقتضای کلام که در تعبیر سلطانی هست، در کتاب «کامل‌التعبیر» که به زعم مؤلفش، حبیبش تغلیسی «از این کاملتر به فارسی نساخته‌اند و آنچه انصاف است همه کس را به این کتاب احتیاج است» (کامل‌التعبیر، تصحیح موسوی: 3)، دیده نمیشود. ابرقوهی در مقدمه «تعبیر سلطانی» به نقد این کتاب پرداخته است. «کامل‌التعبیر» و «التحییر فی علم‌التعبیر» و حتی کتاب «خواب‌گزاری» (قرن ششم)، صرفاً به نقل قول و ترجمه سخنان دانیال، امام صادق (ع)، ابن سیرین، کرمانی و... اکتفا کرده‌اند، ولی قاضی ابرقوهی، توانست که با درج این حکایات و قصص کوتاه، از منابع ایرانی، سریانی و عربی تعبیر خوابش را بر دیگر کتب این موضوع برتری کمی و کیفی بخشد.

بخشی از منابع این روایات و قصه‌ها، کتابهای تاریخی بوده که ابرقوهی در دوجای «تعبیر سلطانی» به دو کتاب شرح تاریخ یمینی و کتاب تاریخ دیالمه اشاره کرده است (تعبیر سلطانی: برگ 94). بیشک منابع ابرقوهی چیزی فراتر از این بوده است.

3-5- تأثیرپذیری از زبان و ادب عربی

یکی از مشخصات مهم دیگر سبک نثر «تعبیر سلطانی»، تأثیرپذیری از زبان و ادبیات عربی است. به دلیل اینکه پیش از این کتاب، مهمترین آثار در زمینه تعبیر خواب به زبان عربی بوده و اصلاً این علم از آن فرهنگ بوده است؛ سعی و تلاش برای ترجمه این آثار از سوی ایرانیان مرسوم بوده و چون به قاضی ابرقوهی رسید، وی سعی بر این داشت که ضمن پیش چشم داشتن آثار و اقوال معتبرین و بزرگان این علم، کتاب خویش را در بستر زبان و ادب فارسی پدید آورد؛ کاری که به نسبت از عهده‌اش برآمد. با وجود این، ما شاهد حضور برخی عناصر زبان و ادبیات عربی در کتاب تعبیر سلطانی هستیم. در میان نثر این کتاب، عناصر زبان و ادب عربی بوضوح دیده میشود. لغات، ترکیبات، امثال و اشعار از اینگونه تأثیرپذیری به حساب می‌آیند.

به عنوان مثال، ابرقوهی قصیده مشهور شرف‌الدین عبدالله ابوصیری المصری را که در نعت و منقبت پیامبر اکرم سروده بود، نقل کرده است (تعبیر سلطانی: برگ 136-138)¹. جدای از تأثیرپذیری از قرآن و احادیث، به گونه‌هایی چندگانه از شعر و زبان عربی استفاده کرده است. بهره‌بردن از لغات،

1- مطلع این قصیده این است: *لَمْ يَكُنْ جِرَانِ بَدَى سَلَمٍ / مَزَجَتْ دَمْعاً جَرَى مِنْ مَقْلَةٍ بَدَمٍ*

اصطلاحات، ضرب المثلها و اشعار عربی از این مقوله‌اند. در تأویل خواب دیدن برادر، که آن را به سلاح مانند کرده‌اند، با نقل شعری از شاعر عربی عصر اموی، ربیع بن عامر تمیمی مینویسد: «گویند برادر دلالت بر سلاح کند، چنانکه گفته‌اند:

اخاک اخاک ان من لا اخاک له
کساع الی الهیجاء بغیر سلاح»

(ابرقوهی: برگ 60)

گاه این تأثیرپذیری، بهره‌گیری از ضرب المثل‌های عربی است که باز این سبک بیان در این کتاب پربسامد است. «در آن که اکثر خواب اکابر به طریق تلویح بود و بیشتر خواب اصاغر به وجه تصریح باشد چه **الحر** یکفیه **الاشاره و العبد یضرب بالعصا**» (تعبیر سلطانی: برگ 8). و در تأویل «ترب» چنین مینویسد: «ترب، به تأویل غم و اندیشه بود و خوردنش بتر از دیدن و گویند دلیل مردی بدوی باشد و گفته‌اند دلالت بر حج کند یا رزقی حلال و گویند اگر دید که تربی داشت از کاری خیر نادم شود و به طریق اولی که بخرد، به خیر رغبت نماید چه مَثَل باشد که «لیت الفجل یهضم نفسه»¹ (همان: برگ 37)

«و از غرایب تأویلات آن است که گفته‌اند اگر تاجری درم بسیار در کسب خود ببیند مفلس شود و مزارع را نقصان ارتفاع بود. و والی را عزل باشد مگر آنکه گویند: «اذا تم امر دنا نقصه». (همان: برگ 214)

درج اصطلاحات و کلمات عربی در میان متن فارسی از دیگر شگردهای زبانی ابرقوهی است، تأثیرپذیری او در این زمینه از زبان عربی آنچنان زیاد نیست اما این رویکرد را در سراسر متن کتابش پیاده ساخته است:

و ابن سیرین چون این خواب استماع نمود، استرجاع فرمود، گفت «لله درک»، خبر وفات ابن سیرین آورده‌ای، و اگر فقیر این خواب ببیند، از **ذات الید** او هیچ باقی نماند. اگر دید که در آب صافی افتاد، من حیث لا یحتسب خرم شود. **سُفوف**، یعنی آنچه در دهان ریزند اگر نافع بود به تأویل راحت و منفعت باشد و **ینعکس بالعکس**. «و اگر دید که صحیفه که کتابت بر آن میکرد از آن دیگری، بود میراث آن کس را باشد و شاید که کاتب را نصیبی دهد و **ینعکس کل ذلک بالعکس**».

و چادرریز **حینئذ** دلیل فرح باشد اما از اندک و بیش ظلم و تعدی خالی نماند. «و اگر دید که گاوان نر و ماده بسیار با رنگهای مختلف، در یگدیگر مختلط بودند، و آمدشدی میکردند، در آن موضع بیماری پدید آید **فکیف** که گاوان لاغر ببیند.» (همان: برگ 172) «و گفته‌اند سیب همت بیننده بود و شغل و صنعت او و مبتنی بدین قاعده پادشاه را ملک باشد و **هَلْم** جرأ با رعیت که نسبت به ایشان فایده‌ای مالی بود» (همان: 131)

شعر و نثر فارسی که در قرنهای پنجم، ششم و هفتم، با ادبیات عربی پیوند برقرار کرده بود، پس از حمله مغول به سمت ساده‌نویسی گرایید. تلاشهایی که ابرقوهی در «تعبیر سلطانی» برای سخن‌آرایی و ساده‌نویسی معتدلانه بکار بسته از این نوع بشمار می‌رود. او یکسره از زبان و ادبیات عرب نگسسته

1- این جمله در کتاب التمثیل والمحاضره نویسنده: الثعالبی، أبو منصور جلد: 1 صفحه: 273 یافته شد.

ولی توانسته است که سبکی استوار را در انتخاب عناصر عربی در پیش بگیرد. «و شاید بتوان گفت که این پرورش یعنی ترک تدریس تتبع در ادبیات عرب و ترک روّیه و شیوه دیرینه از جهتی به نفع زبان فارسی تمام شد...» (سبک‌شناسی نثر، بهار، ج 3: ص 6).

3-6 چنانکه و چنانچه

یکی از نکات قابل توجه این کتاب استفاده از دو کلمه چنانکه (حرف ربط مرکب) و چنانچه (قید تأکید) به جای همدیگر است. ابرقوهی علاوه بر اینکه در برخی موارد «آنکه» را به جای «آنچه» می آورده در مواقعی نیز «چنانچه» را به جای «چنانکه» بیان میکند. علامه محمدقزوینی و استاد جلال الدین همایی از جمله کسانی اند که بر این مسئله بحث کرده‌اند. (رک قواعد زبان فارسی: ص 109، و مجله دانشکده ادبیات تهران، ج 1، ش 2، دی 1342: ص 39). چنانکه به معنای «به طوری که» و «همین طور که» است و کاربرد آن بیشتر و پیشتر از «چنانچه» (مرادف با اگر چنین باشد که) است. برخلاف نظر علامه قزوینی، قاضی ابرقوهی از چنانچه بسیار بیشتر از چنانکه استفاده کرده است. ابرقوهی چنانکه را در بیشتر مواقع درست و بجا به کار گرفته اما از قید تأکید چنانچه در دو گونه جایگاه استفاده کرده است، یک جا به معنای همچنان که و آن طوری که، و دیگری در معنای چنانچه، اگرچه. با توضیح مثال‌هایی از «تعبیر سلطانی» این نکته معلوم میشود:

مساح به تأویل مردی نیک باشد چنانچه در تأویل پیک گفته شد و گفته اند مساح دلالت بر شخصی کند که تفقد حال مردم کند و گویند تفحص اموال کند تا بر آن وقوف یابد چنانچه در تأویل پیمودن گفته شد.

و گویند اگر دید پای راست او بشکست یا منخلع شد یا به نوعی از انواع خللی یافت، چنانچه مجروح شد، پسرش بیمار شود.

لازم به ذکر است که این نویسنده «چنانچه» را حدود 431 بار و «چنانکه» را تنها 80 بار در این متن به کار برده است و این میرساند که قید تأکید «چنانچه» در قدیم نیز بیشتر از چنانکه کاربرد داشته و در بیشتر موارد توانسته که نقش ربطی و ماندسازی واژه «چنانکه» را نیز بر عهده بگیرد و خللی هم به جمله وارد نکند. «بعضی از ادبای قدیمی فرقی بزعم خود مابین «چنانچه» و «چنانکه» گذارده‌اند و گویند چنانچه مختص شرط و بمعنی اگر است و چنانکه برای تشبیه، و حال آنکه در کلام قدما یعنی غیر متأخرین (از قدما و متوسطین) چنانچه و چنانکه را علی السوء بمعنی تشبیه استعمال کرده‌اند و هیچ فرقی بین آن دو نیست یا اگر فرقی هست همان است که ظاهراً، چنانچه را در ترجمه «مثلاً» استعمال کرده‌اند و چنانکه را در ترجمه کمان...» (قزوینی، مجله ادبیات دانشگاه تهران: 39).

نتیجه گیری

کتاب تعبیر خواب «تعبیر سلطانی» که بر اساس چندین نسخه تصحیح و مقابله شده یکی از متن‌های مهم در این علم به حساب آمده است. به نظر برخی محققان و نسخه‌پژوهان مفصلترین این نوع علم در زبان فارسی است که نسخه‌های متعددی از آن در دسترس است. بررسی عناصر و جنبه‌های زبانی، ادبی، محتوایی و سبک‌شناسی این اثر در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته شده است. مؤلف این اثر با کتابهای مهم این علم در زبان عربی و فارسی بخوبی آشنا بوده و از نقل روایتها و حکایتهای تاریخی و مربوط به تعبیر خوابهای مشهور و مهم دریغ نکرده است. این مؤلف که با زبان

و ادب فارسی سخت پیوند و انس داشته، با درهم آمیختن نثر و نظم، رعایت ایجاز و سجع در کلام و آراستگی‌های لفظی و همچنین استشهداد به آیات و احادیث و... سبک نثر کتابش را از یک کتاب صرفاً خبررسان و تقلیدی در این حوزه دور ساخته است. بحثهایی راجع به ترادف میان برخی کلمات، ریشه‌شناسی برخی واژه‌ها و بیان و ضبط برخی کلمات مهجور زبان فارسی از ارزش‌های ادبی این متن است. در مجموع باید این چنین نتیجه گرفت که این کتاب، فقط به بیان تأویل خواب نپرداخته است و با رویکردی آگاهانه کلامش را با آیات وحی، احادیث، حکایات و اشعار «منظومه خرگوشی»، که بجز در این متن اثری از آن نیست، آراسته ساخته و شکلی ادبی بدان بخشیده است. نقل اشعار تعبیر خواب (یا خوابهای ناشناخته) نیز یکی دیگر از ارزشهای محتوایی این تعبیر خواب قرن هشت هجری است.

استفاده مهمی که میتوان از «تعبیر خواب» قاضی ابرقوهی برگرفت، استخراج لغات علوم طبیعی، زیست‌شناسی، گیاه‌شناسی، خوراک‌شناسی و جانورشناسی است. شناخت برخی از کاربردهای لغوی در این کتاب میتواند رهنمون برخی از ابهامات متون ادبی ما باشد، مانند استفاده از «باد شرطه» و یا کیفیت بکارگیری اصطلاح «فکیف» و چنانکه و چنانچه که در شعر فارسی بوده و برای شرح آن بحثهایی صورت گرفته است. این متن از این نگاه و اینکه خود، نوعی فرهنگ لغت فارسی بوده، بیشترین فایده را میتواند به ما برساند.

فهرست منابع

1. قرآن کریم.
2. _____ تحفه بهایی، نسخه خطی متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش 9057: (بی تا).
3. _____ تعبیر سلطانی، نسخه خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، قم: (1022 هجری).
4. _____ تعبیر سلطانی، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای ملی: (985 هجری).
5. _____ تعبیر سلطانی، نسخه خطی متعلق به کتابخانه آیت الله مرعشی، قم: (1234 هجری).
6. _____ تعبیر سلطانی، نسخه خطی متعلق به کتابخانه مجلس شورای اسلامی: (بی تا).
7. اندر فواید لغوی کامل‌التعبیر، افشار، ایرج، به اهتمام محمدتقی مایلی، مجموعه مقالات تحقیقی خاورشناسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران: (1964)
8. انواع نثر فارسی، رستگار فسایی، منصور، تهران: سمت، 1380.
9. بوطیقای کلاسیک (بررسی تحلیلی - انتقادی نظریه شعر در منابع فلسفی، سید مهد زرقانی، انتشارات سخن: 1391.
10. تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح‌الله، ج 4. تهران: انتشارات فردوس. (1371)
11. تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی تا پایان قرن دهم، نفیسی، سعید. جلد دوم، انتشارات فروغی، (1363).
12. تعبیر خواب کامل‌التعبیر، شیخ ابوالفضل حبیب بن ابراهیم تغلیسی، تصحیح و غلط‌گیری: بابک جعفری، انتشارات ساحل (1372).
13. تعبیر خواب کامل، تغلیسی، شیخ ابوالفضل حبیب بن ابراهیم، ، برگردان، سید عبدالله موسوی گرمارودی، انتشارات فؤاد. (1373).

14. تعبیر سلطانی و فواید زبانی، ادبی و مردم‌شناختی آن، نامه فرهنگستان، شماره 12 سال دوم، صص 70 - 93. (1390)
15. تعبیر سلطانی، ابرقوهی، اسماعیل بن نظام الملک نسخه خطی متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مورخ 902، ش 834 مشکوه، میکروفیلم شماره 8814. (763)
16. التمثیل و المحاضره، ثعالبی، عبد الملک بن محمد (350-429 ق). مصحح: عبدالفتاح محمد الحلو، القاهره: انتشارات دار لکتب العربی. 1340.
17. خسرو و شیرین، نظامی، الیاس بن محمد، به تصحیح حسن وحید دستگردی و به اهتمام سعید حمیدیان، تهران: قطره (1388)
18. خوابگزاری، همراه التخبیر امام فخر رازی افسشار، ایرج، تهران: المعی، (1385).
19. رسائل ابن سینا، ابن سناء، ابوعلی حسن بن عبدالله (1953) زیر نظر حلمی ضیاء اولکن، آنکارا: بی نا.
20. سبک‌شناسی نثر، ج 2 و 3، بهار، محمد تقی. تهران: انتشارات امیر کبیر، 1386.
21. سیری در خوابنامه نویسی در زبان و ادب فارسی، کمیلی، مختار، «نشریه علمی - پژوهشی گوهر گویا، سال دوم، شماره 8، زمستان 87، صص 151-177. (1387)
22. غلط‌نویسیم، فرهنگ دشواریهای زبان فارسی، ابوالحسن نجفی، چاپ دهم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی (1381)
23. فرهنگنامه ادبی فارسی، انوشه، حسن. ج 2، چاپ دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (1381)
24. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شماره 2، دانش‌پژوه، محمد تقی، جلد دوم، انتشارات کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران، (1359)
25. فهرست نسخه‌های خطی مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، منزوی، احمد، ج 1، مرکز دایره المعارف اسلامی. 1377
26. کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله چلبی، حرره مع ترجمه الی اللاتینیة غوستاف فلوجل، لندن. (1842).
27. کلیات سعدی، سعدی شیرازی، به تصحیح و اهتمام محمدعلی فروغی، تهران: امیر کبیر. چاپ چهاردهم. (1386).
28. الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، زمخشری، محمود بن عمر الخوارزمی جارالله، انتشارات مکتب وهبه. (1369)
29. گزیده رسائل اخوان الصفا، حلبی، علی اصغر، تهران: اساطیر (1379).
30. لغت نامه دهخدا، دهخدا، علی اکبر، تهران: انشارات دانشگاه تهران، 1377.
31. مثنوی معنوی، مولوی، جلال الدین محمد بلخی، به تصحیح رینولد نیکلسون، انتشارات امیر کبیر، (1379).
32. مجله معارف، «بوسعد خرگوشی»، طاهری عراقی، احمد، دوره‌ی پانزدهم، آذر - اسفند 1377، شماره پیاپی 45، صص 7-20.
33. مقدمه ابن خلدون، ابن خلدون، عبدالرحمن. ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات فرهنگی و علمی (1375).
34. نامه فرهنگستان، ادبیات و زبانها، لغات فارسی کفایه الطب حبیبش تفلیسی به همراه بررسی تقویم الادویه او، صادقی، علی اشرف، ش 17، بهار 1380، صص 13-29.

<http://lib.eshia.ir>

<http://www.al-eman.com>

<http://www.noorlib.ir>